

جایگاه عرصه های عمومی و همگانی در ایجاد هویت در شهرهای جدید «نمونه‌ی موردی شهر جدید پرند»*

سید رحیم مشیری

استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران

آزیتا رجبی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران - مرکز)

سیده فزیه جعفرنژاد شورکائی

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (مسئول مکاتبات)

fezehjafarnejad @ gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۱۹

چکیده

مقاله‌ی حاضر با طرح پرسشی اساسی، در خصوص اینکه: "چه رابطه‌ای میان عرصه‌های عمومی ایجاد شده در شهر جدید پرند با شکل‌گیری هویت و حس تعلق به مکان و فضاهای سرشار از حیات اجتماعی، در این شهر وجود دارد؟" آغاز می‌گردد.

در واقع مقاله‌ی حاضر، در جستجوی نقش و نوع و میزان رابطه‌ی بین عرصه‌های عمومی و هویت در شهر جدید پرند می‌باشد و هدف اصلی آن شناسایی میزان رابطه بین عرصه‌های عمومی و هویت و حس تعلق به مکان می‌باشد. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که: بین متغیر عرصه‌های عمومی و همگانی بعنوان متغیر مستقل و هویت شهر جدید پرند بعنوان متغیر وابسته در این پژوهش رابطه وجود داشته، یعنی هر چه میزان متغیر مستقل ذکر شده در جامعه هدف (شهر جدید پرند) بالا باشد به همان میزان، هویت‌مندی و احساس تعلق آنها به شهر جدید پرند بیشتر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: هویت، هویت شهری و شهروندی، مؤلفه‌های هویت شهری، عرصه‌های عمومی و همگانی، شهر جدید پرند

مقدمه

هویت عامل شناسایی و شخصیت هر موجود زنده است. شهرها نیز به عنوان پدیده‌ای زنده و پویا، دارای هویت می‌باشند. این هویت در حقیقت منشاء حیات و سرزندگی در شهرها بوده و دارای اشکال گوناگون می‌باشد که

* این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد استخراج شده که به راهنمایی دکتر سید رحیم مشیری تهیه شده است.

عمدتاً در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بالاخره کالبدی تبلور می یابد. نظریه پردازان برای هویت بخشیدن به شهرها و فضاها، شاخص های مختلفی را ذکر نموده و معتقدند که آن عوامل بر هویت بخشی و به عبارتی تقویت رابطه ی انسان با شهر تاثیرگذار می باشد. یکی از آن عوامل بسیار مهم مؤلفه ی "عرصه های عمومی و همگانی" می باشد. فضای شهر در شهرهای جدید اثر مثبت و مستقیمی بر همبستگی اجتماعی و تولید خاطرات در محیط اجتماعی دارد. فضاها، فرهنگی، تراکم فرهنگی و خلاصه هرچه جمعیت را به هم پیوند می دهد، در این مقوله دارای اهمیت است.

سیاست ایجاد مراکز شهری، با ارائه امکانات و خدمات و امکان استفاده همگان از آنها، باعث بهبود روابط اجتماعی می گردد. عواملی که باید در طراحی مجموعه شهرهای جدید مد نظر قرار گیرند، جنبه هایی بس فراتر از نگرش سطحی و عجولانه ای است که امروزه در برنامه ریزی شهرهای جدید تحت عنوان استانداردسازی و یکسان سازی به آن توجه می شود. از جمله مسائل اثر گذار در طراحی، حضور اجتماعی در ترکیب با عملکردهای عمومی و کالبد طراحی می باشد و بعد سوم و عامل حرکت، دیدها و چشم اندازها، ارزش ها و سنت ها و عوامل ریز و ظریف دیگری بایست در خلق فضاها، عمومی (خیابان و میدان) و مراکز شهری در نظر گرفته شود. در حال حاضر علت اصلی شکل گیری شهرهای جدید در ایران، اسکان سرریز رشد سریع شهرهای بزرگ است و بر اساس این هدف، در شکل گیری شهرهای جدید صرفاً به جنبه های فیزیکی و زیستی انسان توجه شده است و حال آنکه بهترین شهر، شهری است که مردم و ساکنان آن می خواهند در آنجا زندگی کنند و تمام روز خود را در آنجا بگذرانند؛ شهری که افراد را جذب کند و نقطه شروع جدید در زندگی آنان باشد و در واقع وطنی برای آنها شود. این وطن باید تمام خصوصیات شاخص شدن را در ذهن مردم فراهم آورد. ایجاد همبستگی اجتماعی و کیفیت محیطی مطلوب، باید در چگونگی ایجاد صفات بارز شهرهای جدید لحاظ گردد. پرداختن به فضای شهری بعنوان مکان ظهور حوادث اجتماعی، برخورد نزدیک و گرم ساکنان برای انباشت خاطرات جمعی در طراحی شهرهای جدید، از نکته های اساسی است که قطعاً در تقویت هویت، حس تعلق به مکان و همبستگی های اجتماعی تاثیر گذار می باشد. به این منظور قبل از هر چیز در این پژوهش، ابتدا باید مفهوم هویت، هویت شهری روشن گردد و سپس مؤلفه هایی که در شکل گیری هویت شهری تأثیرگذار می باشند را معرفی کرده و از آن میان به مؤلفه ی «عرصه های عمومی و همگانی» که یکی از مؤلفه های اصلی در هویت شهری می باشد بطور مشخص پرداخته و رابطه ی بین این متغیر را با هویت و احساس علقه ی افراد در جامعه ی هدف «شهر جدید پرنده» مورد سنجش و بررسی قرار داده تا به یک نتیجه گیری صحیح و منطقی در این ارتباط دست یابیم.

طرح مسئله

ساخت شهرهای جدید به معنای خاص آن و آنچه امروزه از این عبارت مد نظر است، به بعد از انقلاب صنعتی بر می گردد، که پیشگام آن ابنزرهاوارد از انگلستان می باشد.

این اندیشه، یعنی فکر ایجاد شهرهای جدید در ایران، به عنوان حرکتی اساسی در نظام شهرنشینی کشور و به منظور تعادل بخشی جمعیت در محدوده کلانشهرها و مراکز عمده جمعیتی، به نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ باز می‌گردد. وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان مسئول برنامه ریزی کالبدی و انتظام بخشی نظام سکوتی، طی سالهای نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ برنامه ریزی و ایجاد شهرهای جدید را در دستور کار قرار داد. از آن پس تاکنون ۲۵ طرح در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به تصویب رسیده است که ابتدایی ترین هدف آنها جذب سرریز جمعیت شهرهای بزرگ بود. تصویب و احداث ۵ شهر جدید در منطقه شهری تهران در همین راستا شکل گرفت. از جمله این شهرهای جدید؛ "پرنده" در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی تهران می باشد.

پس از گذشت نزدیک به دو دهه از شروع احداث شهرهای جدید در ایران، متأسفانه این شهرها حتی نتوانستند جمعیت کافی را به خود جذب کنند و شکل کانونی برای زندگی به خود بگیرند. گرچه بر اساس طرح از پیش تهیه شده، اقدام به ساخت و ساز شهرهای جدید گردید؛ اما در اکثر آنها برخورد کمیت‌گرا مانع حصول کیفیت زندگی شد. استاندارد کردن، روشهای تولید انبوه، سادگی، یکنواختی و سری سازی از جمله مسائلی بود که (با توجه به دیدگاه کارکرد گرایانه و شهرسازی نوگرا) در ساخت شهرهای جدید در ایران بکار گرفته شد. در این میان آنچه نادیده گرفته شد، هویت مکانی بود. بی مکانی، بی هویتی و عدم هماهنگی و همگامی با فرهنگ بومی، از ویژگیهای این شهرهاست.

برای کاهش این معضل و نیز دستیابی به شهری سرشار از حیات و سرزندگی باید به عرصه های عمومی و همگانی در این شهرها توجه کرد.

پرسش مهمی که در این تحقیق مطرح می شود این است که: "چه رابطه ای میان عرصه های عمومی ایجاد شده در شهر جدید پرنده با شکل گیری هویت و حس تعلق به مکان و فضاهای سرشار از حیات اجتماعی، در این شهر وجود دارد؟"

در راستای این پرسش اصلی، فرضیه‌ای که در ذهن شکل می‌گیرد عبارتست از: "به نظر می‌رسد کیفیت عرصه‌های عمومی و همگانی؛ می‌تواند بر تقویت هویت و حس تعلق به مکان در شهر جدید پرنده اثرگذار باشد."

روش و مراحل انجام تحقیق

مقاله ی حاضر به لحاظ هدف، در گروه تحقیقات کاربردی قرار دارد، در نگارش این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی بر پایه ی مطالعات کتابخانه ای (فیش برداری) (آسایش + مشیری، ۱۳۸۱: ۴۳) و میدانی (مشاهده ی باز، توزیع پرسشنامه، و نقشه های شهری) استفاده گردیده است. (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۴۲)

جهت تجزیه و تحلیل پرسشنامه هابه کمک نرم افزار spss و با استفاده از تکنیکهای آماری توصیفی و استنباطی (آزمون گاما^۱، Gamma) به بررسی رابطه متغیر مستقل (یعنی عرصه های عمومی و همگانی) و وابسته تحقیق (یعنی هویت) پرداخته شد.

^۱ برای اطلاعات بیشتر راجع به آزمون گاما، به مولر، ص ۲۳۳ تا ۲۳۵ مراجعه شود

هویت شهری و مؤلفه های مرتبط با آن

طبق فرهنگنامه معین، هویت از لحاظ لغوی به معنای: «ذات باری تعالی»، «هستی»، «وجود» و «آنچه که موجب شناسایی شخص شود (مانند: کارت شناسایی، نام و نام خانوادگی)».

در فرهنگ لغات انگلیسی اکسفورد لفظ **identity** از واژه لاتین **identitas** ریشه گرفته است. این واژه دارای دو معنای اصلی و متمایز؛ «تشابه مطلق» و «تفاوت» می باشد. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵)

در فرهنگ لغات اصطلاحات فلسفی به مفهوم: «ذات و تشخیص و این همانی موجودات» می باشد. (حج فروش، ۱۳۸۰: ۹) و در این پژوهش مفهوم دوم از هویت مدنظر ما می باشد.

لینچ در کتاب «تئوری شکل شهر» هویت را اینگونه تعریف می کند؛ هویت یعنی: «معنی یک محل» هویت یعنی «حدی که شخص می تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکانها شناخته و یا، بازشناسی نماید بطوری که شخصیتی مشخص، بی نظیر، یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود.» (لینچ، ۱۳۸۴: ۱۶۸)

بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را می سازد مکانی است که او خود را با آن شناسایی می کند و به دیگری می شناساند. وی هنگامی که راجع به خود فکر می کند، خود را متصل به آن مکان می داند و آن مکان را بخشی از خود بر می شمارد و میان او و آن مکان رابطه ای عمیق به وجود می آید. چنین رابطه ای عمیق تر از صرف بودن در آن مکان یا مواجهه با آن مکان است، به گونه ای که آن را می توان به «خود همانی با فضا» تعبیر کرد. (رضا زاده، ۱۳۸۵: ۲۳۶)

در شکل گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد. در مرحله نخست محیط به وسیله فرد شناسایی می گردد، که هویت مکان و یا حس مکان نامیده می شود. در مرحله دوم فرایند پیوند روانی با مکان به انجام می رسد و به صورت هویت مکانی تداوم می یابد. (همان؛ ۲۳۷)

شهرها نیز به عنوان پدیده ای زنده و پویا، دارای هویت می باشند. هویت در حقیقت منشاء حیات و سرزندگی در شهرها بوده و دارای اشکال گوناگون می باشد که عمدتاً در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بالاخره کالبدی تبلور می یابد. (نوده فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۶۴)

ایجاد هویت شهری به مفهوم حفظ ساختار و سازمان مشخصی است که برای افراد مختلف قابل درک و لذت بخش باشد. از آنجا که افراد مختلف راههای گوناگون برای ایجاد ساختار و سامان دادن به محیط اطرافشان را به کار می گیرند، بنابراین سازمان یا ساختار یک محیط شهری و یا یک شهر بسته به عامل واحدی نمی باشد، بلکه عوامل مختلف مؤثر در این ساختار، به صورت لایه های مختلف بر روی هم قرار می گیرند و در یکدیگر نفوذ می کنند تا شبکه و کلیتی با مفهوم و معنی دار ایجاد گردد (صبری، ۱۳۸۵: ۲۶۸)

نظریه پردازان برای هویت بخشیدن به شهرها و فضاهای شهری، لایه ها و شاخص های مختلفی چون: رویدادها و خاطرات جمعی، شفافیت و سازگاری، نفوذ پذیری، نمایانی و خوانایی، تنوع و کثرت اقتصادی و فعالیتی، انعطاف پذیری، امنیت، همبستگی اجتماعی، مشارکت در امور گوناگون اجتماعی و فرهنگی، توجه به محله و رشد محله گرایی، توجه به فضاها و عرصه های عمومی و همگانی، تحرک و پویایی، اختلاط کاربریها، چهره و منظر شهر، و... را ذکر نموده و معتقدند که تقویت احساس پایدار، دستیابی به استقلال فرهنگی، تحرک و پویایی روابط اجتماعی،

سکونت پایدار و رفع احساس غربت و دل‌تنگی، تحکیم روابط همسایگی و به عبارتی تقویت رابطه‌ی انسان با شهر از مهمترین عوامل مؤثر بر هویت بشمار می‌آید. (نوده فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۶۴)

امروزه شهرهای جدید ایران با داشتن بافت و شکل نوپای خود و لزوم جذب جمعیت در مسیر دستیابی به پایداری و تداوم حیات نیازمند هویت شهری مستقل می‌باشند. در حقیقت هویت شهرهای جدید عامل شناسایی و شخصیت آنها و تعیین‌کننده موفقیت و دوام آنها است. در راستای موفقیت شهرهای جدید ایران و شناخت عوامل تأثیرگذار بر هویت آنها از بین معیارهای ذکر شده، معیار عرصه‌های عمومی و همگانی را برگزیده و بعنوان متغیر مستقل و تأثیرگذار بر روی هویت مورد سنجش قرار می‌دهیم. هدف از بررسی این متغیر شناخت میزان همبستگی آن با هویت می‌باشد.

عرصه‌های عمومی و همگانی

براساس «فرهنگ انگلیسی آکسفورد» (۱۹۹۳) واژه‌ی **public** به معنای «کلی» و در اکثر معانی، متضاد «خصوصی» است. در جدیدترین ویرایش «فرهنگ فشرده‌ی آکسفورد» (۱۹۹۰) چنین مطرح شده است: «متعلق یا متوجه مردم به مثابه یک کلیت» و در کنارش «در دسترس یا اشتراکی برای همه‌ی مردم» (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۲۱۳). با اتکای به این تعاریف، برای مثال خیابانی عمومی متعلق و مرتبط با تمام مردم به عنوان یک کلیت است، به رویشان باز است، موجودیتی محدود نشده دارد، و از طرف دولت ارائه می‌شود و به آن مرتبط است این مفاهیم در تعاریف مختلف فضاهای عمومی بازتاب یافته‌اند. از نگاه کر و سایرین؛ فضای عمومی به عنوان «بستر مشترکی که مردم فعالیتهای کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است، در آن انجام می‌دهند، چه روزمره‌گی‌های معمولی باشد و چه جشنواره‌های دوره‌ای». از دید والرز؛ «فضای عمومی فضایی است که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم، مردمی که از اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند».

فضای عمومی، فضای است برای سیاست، مذهب، داد و ستد، ورزش، فضایی برای هم زیستی مسالمت آمیز و برخوردارهای غیرشخصی. فرانسیس تیبالدز عرصه عمومی را چنین می‌داند: «تمام بخش‌های بافت شهری که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بدین ترتیب، خیابانها، پارکها، و میدانی شهرک و شهر، به ساختمانهایی که محصورشان می‌کند و محدوده‌شان را مشخص می‌کند، گسترش می‌یابد.» بدین ترتیب، عرصه‌ی عمومی، مهم‌ترین بخشی از شهرکها و شهرهای ما است جایی است که بیشترین اندازه از تماس و تعامل انسانها، روی می‌دهد» (همان، ۲۱۵)

یان گل فعالیتهای انسان در فضاهای همگانی را به سه دسته تقسیم می‌کند: فعالیتهای ضروری - کارکردی، فعالیتهای گزینشی - تفریحی و فعالیتهای اجتماعی^۱ به گفته گل، در حالی که فعالیتهای ضروری، فارغ از کیفیت محیط فیزیکی رخ می‌دهد اما یک شهر خوب، می‌تواند شرایط مناسبی را برای بسیاری از فعالیتهای ضروری پدید آورد. فعالیتهای گزینشی، تا اندازه زیادی بستگی به این دارند که محیط چه چیزی به فرد می‌بخشد و چگونه رفتار و احساس وی را بر می‌انگیزد. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۴۳۶)

^۱ برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به صفحه ۴۳۶ از کتاب پاکزاد

به باور او هر چه مکان از دید کیفی بهتر باشد، فعالیت‌های گزینشی بیشتری در آن روی می‌دهد در یک مکان خوب، فعالیت‌های گزینشی بیشتری رخ می‌دهد، ضمن اینکه فعالیت‌های ضروری نیز در آن پایدار می‌مانند. او تأکید دارد که جذابیت یک شهر را می‌توان با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای همگانی آن گرد می‌آیند و وقت خودشان را در آنجا می‌گذرانند، شناسایی کرد. از سوی دیگر به گفته‌ی گل، فعالیت‌های اجتماعی، دستاورد «کیفیت» و «طول مدت وقوع» دو گونه فعالیت پیشین هستند، زیرا در صورتی تحقق می‌یابند که مردم زیادی بتوانند در مکانی مشخص، با هم دیدار کنند. درباره فعالیت‌های اجتماعی، کیفیت محیط بیش از آنکه انگیزه‌ی فعالیت باشد، بسترساز انجام آن است، چرا که در این گونه، حضور شهروندان، انگیزه اصلی است و از فضا انتظار می‌رود که مقدمات این حضور را آماده سازد. در این حالت است که یان گل، شهر را جذاب و زنده می‌خواند. (همان، ۴۳۷) با توجه به گفته‌های گل، محیط و کیفیت آن بستر ساز انجام بسیاری از تعاملها و فعالیت‌های اجتماعی است. گل تأکید می‌کند که هر چه فضا همگانی باشد، احساس نیرومندتری از امنیت و وابستگی به جمع را تداعی می‌کند، در چنین شرایطی فضاهای همگانی، بخشی از عادت زندگی ساکنان می‌گردند و امکان آشنایی بیشتر مردم با یکدیگر را فراهم می‌سازند، ضمن این که خود نیز در برابر، از امنیت و استقبال بیشتری برخوردار می‌شوند.

گل رمز شکوفایی فضاهای همگانی را در اندازه تماسی می‌داند که میان کاربران خود برقرار می‌کنند (همان؛ ۴۴۲) وی، برداشتن دیوارها و دیگر سازه‌های جداکننده، کاستن فاصله، کم کردن سرعت حرکت از سواره به پیاده، کاهش تعداد طبقات و اختلاف ارتفاع‌ها و جهت‌گیری رویارویی کانونهای فعالیت را راهکارهایی می‌داند که می‌تواند امکان بالقوه‌ی تماس افراد و استفاده از فضا را تا سطح بالفعل بالا ببرد. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۴۴۳)

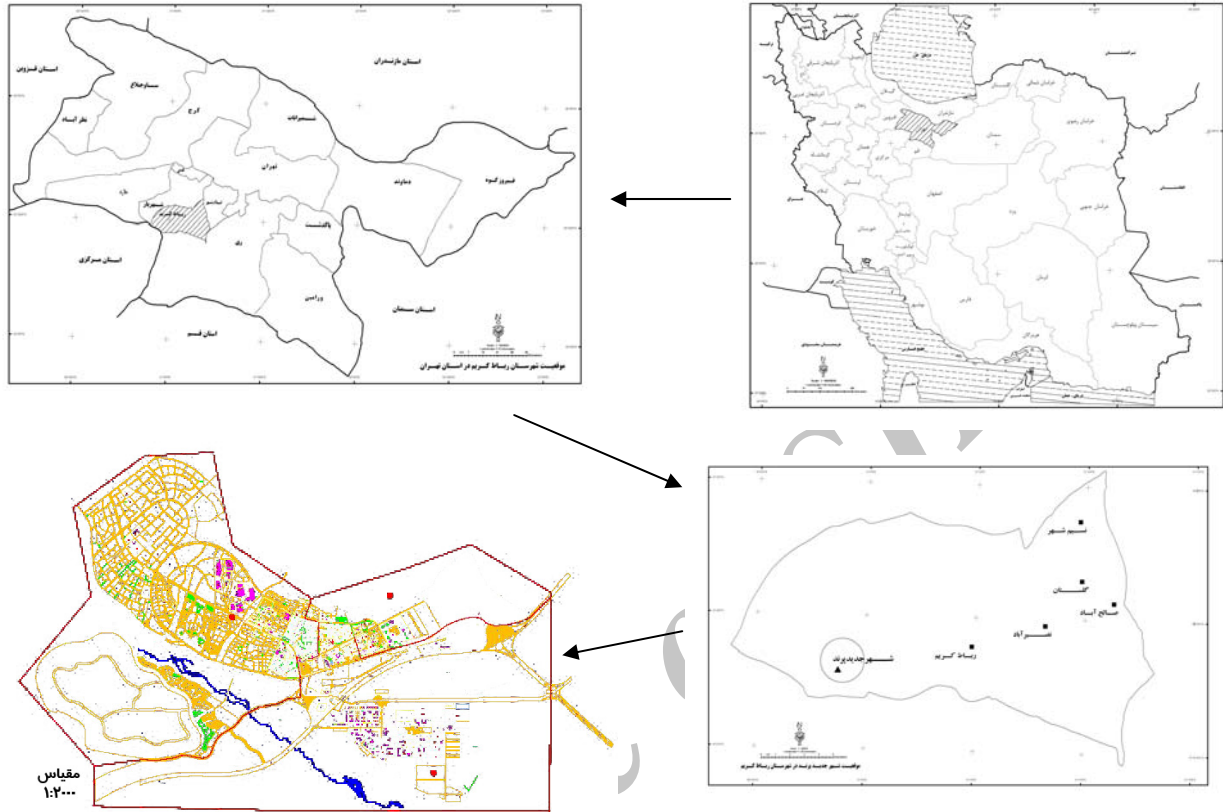
از موارد دیگری که بر کیفیت عرصه‌ها و فضای شهری مؤثر می‌باشد می‌توان به نوع طراحی شهر (الگوی شبکه‌ی شهری)، خیابانها، میدین، پارکها و نوع و چگونگی مبلمان شهری اشاره نمود.

در مباحث مربوط به «شهر جدید پرنده» که بعنوان نمونه‌ی موردی به آن پرداخته ایم به مطالعه و بررسی هر یک از این مؤلفه‌ها خواهیم پرداخت تا نقاط قوت و ضعف عرصه‌های عمومی و همگانی شهر جدید پرنده روشن گردد. این مطالعه و بررسی بر اساس مطالعات منابع و اسناد موجود در شرکت عمران شهرهای جدید و شهر جدید پرنده؛ مشاهدات میدانی و توزیع پرسشنامه بین جامعه هدف در شهر جدید پرنده صورت گرفته است.

مشخصات منطقه‌ی مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه این پژوهش، ساکنین شهر جدید پرنده می‌باشند. اراضی شهر جدید پرنده در فاصله حدود ۳۵ کیلومتری جنوب غربی شهر تهران قرار گرفته است. این اراضی، به واقع جنوبی‌ترین اراضی حومه جنوب تهران به شمار می‌رود. شهر رباط کریم در فاصله حدود ۱۰ کیلومتری شمال شرقی این اراضی واقع شده است. اراضی پرنده در مجموع، از شمال به ارتفاعات جنوبی تخت رستم متصل است. این محدوده در منتهی الیه مجموعه شهری تهران، از جنوب به مسیل رودشور، حریم راه آهن سراسری جنوب، جاده‌های ارتباطی و اراضی بایر محدود می‌شود که به تدریج از قابلیت بهره‌برداری خارج می‌شود.

از سمت شرق، این اراضی با اراضی فرودگاه بین المللی تهران همجوار است و از سمت غرب و شمال غربی به اراضی باز و بایر متصل می شود که قابلیت توسعه های آتی در افاق های دورتر را فراهم می آورد (مهندسین مشاور امکو، ۱۳۸۵: ۱۶)!



شکل شماره ۱: نقشه موقعیت استقرار شهر جدید پرند در کشور ایران، گستره مجموعه شهری تهران و شهرستان رباط کریم
مأخذ: استانداری تهران

بررسی عرصه های عمومی شهر جدید پرند

عرصه های عمومی و همگانی یکی از مولفه هایی است که در هویت بخشی به شهر نقش به سزایی ایفا می کند. عرصه های عمومی، مکانی برای تعامل و رویارویی افراد می باشد و حضور سایر مردم در این فضاها تجربه و درک می شود و مکانی است که می توانیم تجربه های نسل های پیشین را تجربه کنیم (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۹۴) پس فضاهای عمومی می تواند فضایی برای ایجاد خاطره گردد و حتی مکانی برای پیوند اجتماعی میان افراد گردد چرا که افراد در این فضاها به طور مسالمت آمیز در کنار دیگران حضور می یابند و با یکدیگر اختلاط نموده و توان تحمل کردن یکدیگر را افزایش می دهند و زمینه های مشترکی می شود که افراد بتوانند فعالیت های عملکردی و آئینی را که منجر به پیوند بینشان می شود انجام دهند (همان؛ ۲۴۶) و حتی این فضاها می تواند مکانی برای بازاریابی و رقابت اقتصادی گردد. (همان؛ ۲۵۳)

^۱ برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به طرح بازنگری و توسعه و عمران شهر جدید پرند در آرشیو شرکت عمران شهرهای جدید

قابلیت و جذابیت هرچه بیش تر این فضاها باعث رویارویی و تمایل بیش تر مردم با یکدیگر در این فضاها و در نهایت گرایش به حس تعلق و حس مکان خواهد شد. در این بخش از پژوهش، به مهمترین فضاها و عرصه های عمومی شهر جدید پرند من جمله؛ خیابانها، میداین و فضاهای سبز و پارکهای شهری پرداخته و سپس عوامل بسیار مؤثری که بر کیفیت فضاهای عمومی شهر و جذب ساکنین آن اثر گذار می باشند، من جمله؛ شکل و فرم شهر، سیما و کالبد فضایی و چگونگی مبلمان شهری پرداخته و کیفیت این عرصه ها و عوامل را در برقراری و ایجاد حس تعلق به مکان و هویت در شهر جدید پرند مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم.



شکل شماره ۲: نقشه کاربری اراضی شهر جدید پرند براساس طرح بازنگری توسعه و عمران (جامع) سال ۱۳۸۵
 مأخذ: آرشیو شرکت عمران شهرهای جدید



شکل شماره ۳: نقشه عرصه های عمومی موجود (خیابانها، میداین و فضاهای سبز و پارکها) در شهر جدید پرند بر اساس مطالعات
 سال ۱۳۸۸
 مأخذ: استانداری تهران

خیابان و شبکه ی معابر: از اصلی ترین فضاهای شهری محسوب می شوند. مستقیم یا منحنی بودن راه، تناسبات مقاطع راهها (راههای مستقیم و یکنواخت با اقبال عمومی رو به رو نیستند)، نسبت سطح پیاده رو به سواره‌رو، طراحی جداره های خیابان و نحوه استفاده از درختان و فضای سبز در راه می‌تواند کیفیت فضای شهری را افزایش یا کاهش دهد. کاربریهای همجوار راه، در جذب مردم و تشویق آنها به پیاده روی در فضای شهری بی تأثیر نیست. (جوانبخت، ۱۳۸۵: ۱۳۳) زوکر خیابان را مانند رودخانه ای می داند که جریان ارتباطات مردمی در آن روان است. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۰۷)

با مشاهده ی شبکه ی معابر در شهر جدید پرند، این شبکه ها نشان دهنده ی توازن و عدم انسداد مسیر در طول دیدی نهایت است که متاثر از طراحی هدف برای عبور انسان سواره است و چندان تمهیداتی برای سهولت و امنیت دسترسی عابرین پیاده اتخاذ نشده است. این معابر در حقیقت کانال های عبوری سواره و در بهترین حالت مجاری دسترسی سواره به نقاط مختلف‌اند و لذا برای تردد خودرو طراحی شده‌اند بدون آنکه عنایت چندانی به پیاده ها داشته باشند. و حال آنکه هالپرین، برای ایجاد زندگی دوست داشتنی و سرشار از آرامش در یک خیابان شهری، بر ضرورت حذف خودرو و دادن درجه دوم اهمیت به آن پافشاری می کند (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۷۵) و از نظر گل فضایی که زندگی در آن روان است به طور معمول تحت سیطره پیاده و حداکثر دوچرخه، شکل می‌گیرد و نه در جایی که سواره بر آن چیره است، چرا که با حرکت آرام است که می‌توان به تماشای دوروبر پرداخت و فرصت گزینش برای مشارکت در فعالیتهای جاری در فضا پدید می‌آید (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۴۴۰).

می‌توان گفت شهر جدید پرند فاقد شبکه ی پیاده می‌باشد و به نظر می‌رسد در طرح آن پیاده چندان مد نظر نبوده است. در فقدان چنین شبکه‌ای، بدلیل عدم پیوستگی میان فضاهای عمومی و بی توجهی به کیفیت شان، به گفته ی خود ساکنان، تمایل آنان به تردد به صورت پیاده در امتداد محورهای شبکه ی سواره بیشتر است. اکثر معابر حتی فاقد پیاده رویی با حداقل قابلیت رهواری هستند. فرم کالبدی و ابعاد و طول این معابر هم اصولاً تناسبی با حرکت پیاده ندارد و هیچ تلاشی در جهت جذاب تر کردن آنها برای پیاده هایی که ناگزیر از طی کردن مسیرهای طولانی هستند صورت نگرفته است.



شکل شماره ۴: عکس از عدم انسداد مسیر و دید بی نهایت شبکه معابر در شهر جدید پرند

میادین شهری: یکی از عرصه ها و فضاهای مهم شهری می باشد. از نظر زوکر میدان و عناصر مربوط به آن از دید کالبدی، جزئی از ساخت فضای شهر است و از دیدگاه اجتماعی، تعاملات اجتماعی آدم ها را در خود جای می دهد در واقع این فضاها، جایی را برای تجمع مردم آفریده اند و با برقراری امکان تعاملات اجتماعی به آن رنگ و بوی انسانی می بخشند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸-۱۰۷) هالپرین، میدانهای کوچک در مقیاس محله را یکی از فضاهای باز شهری می داند که سبب پدیداری حس مکان می شود وی باور دارد که این میدانها با تبدیل شدن به مرکز محله ی خود، می توانند مکانی باشند برای گرد هم آوردن فعالیتهای محله. به باور او اهمیت معروفترین میدانهای جهان، به عنوان نمادهایی اجتماعی، نه به علت طراحی زیبای آن ها بلکه به علت رخدادهایی اجتماعی مهم و گوناگونی است که درون آنها رخ می دهد، می داند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۷۶)

با مشاهده میادین در شهر جدید پرنده، بیننده پی به این نکته می برد که کارکردی صرفاً ترافیکی داشته و بعنوان تلاقی شریانها به ایفای نقش می پردازند. و صرفاً یک رشته فضاهای تهی و سطوح باز در میان شبکه ی گذرگاهی محسوب می شوند که تهی از هر گونه جایگاه تعاملات اجتماعی مردم محسوب می گردند. از میان پرسش شوندگان، هیچ یک از میدانی که جذاب بوده و مکانی برای تعاملات اجتماعی، مراد و گفتگو و دیدار همشهریان بیافریند نام برده نشده است.

فضاهای سبز و پارکهای شهری: یکی دیگر از عرصه های مهم شهری می باشند. رگن فضای گستره ای که کل شهر در آن هستی می یابد را به دو بخش تقسیم می کند: فضای رسمی یا فضای شهری و فضای طبیعی یا فضای باز که بیانگر طبیعت درون و پیرامون شهر است. وقتی فضای باز بعنوان مکمل فضای شهری بکار می رود از سختی و رسمی بودن آنها می کاهد. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱-۳۲۲)

تحقیقات نشان می دهد که توزیع فضای باز و پوشش گیاهی جنگل، اقلیم شهر را تحت تأثیر قرار می دهد. باریکه های سبز و پارکهای جنگلی و جنگل های طبیعی در شهرها چنانچه به طور صحیح اداره شوند می توانند غیر از ریه های سبز و یا محلهای تفریح نقش های دیگری من جمله امکان تعامل بین فرایندهای شهری و طبیعی را فراهم کنند. (براند فری، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۷) هدف برنامه ریزی و طراحی فضای باز و سبز، ساماندهی و نظم بخشی به مجموعه فضاهای پراکنده و باز شهری است که بخش مهمی از زندگی جمعی شهروندان در آن می گذرد و بعنوان «عرصه ی عمومی» شناخته می شود و این فضاها به صورت نظام یافته و پیوسته برای فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و فراغتی شهروندان ساماندهی و طراحی شده است. (مهدیزاده، ۱۳۸۵: ۲۹۵) هالپرین وجود فضاهای سر سبز و پارکهای محلی را ضرورتی می داند که نیاز انسان به طبیعت و ارتباط با آن را برآورده می سازند. وی گذشته از پارکهای محلی، از پارکهای مرکزی نام می برد که با فضاهای سبز بزرگشان در قلب شهرها، تعادل بوم شناختی را که از نیازهای زیستی انسان است را برقرار می سازند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۷۷)

با توجه به گفته های بالا وجود فضاهای سبز و پارکها از عناصر اصلی و ضروری در هر شهری شناخته شده است که نه تنها اقلیم شهر را تحت تأثیر قرار داده و باعث تلطیف هوا می گردد، بلکه محیطی مستعد برای گذران اوقات فراغت و گشت و گذار شهروندان در این عرصه ها ایجاد می کند تا ساکنین شهر در این عرصه ها، فرصتی

برای دیدار یکدیگر و برقرای تعاملات اجتماعی بیابند و به شهر و فضای شهری رنگ و بوی انسانی ببخشند. این فضاها همانند میدین و خیابانهای شهری می تواند سبب پدیداری حس مکان شود.

با توجه به مشاهدات انجام شده در فضاهای عمومی شهر جدید پرند به ویژه فضاهای سبز و پارکها، پوشش گیاهی و درختانی که بتواند زیبایی و جذابیت خاصی را بوجود آورد و بیننده را مجذوب جذابیتهای خود کند مشاهده نمی‌گردد. هر چه هست فضای باز و بکر، بدون درختکاری و پوشش گیاهی است که عاری از نشاط و پویایی و روح زندگی در شهر می باشد. حتی در پارکهای شهری نیز توجه چندانی به چمن کاری و درختکاری نشده است و یا اگر درختکاری شده توجه چندانی به حفظ و نگه داری و شادابی آن نشده در نتیجه رغبتی برای نشستن برای بزرگسالان، و انگیزه‌ای برای بازی کردن کودکان در پارکها ایجاد نمی‌کند. به عنوان مثال، پارک فدک که در فاز دو پرند قرار دارد (شکل شماره ۵) تنها به گذاشتن چند نیمکت و وسیله‌ی ورزشی و چند زباله دان اکتفا شده و در آن از چمن کاری و درختکاری، نورپردازی و گلدان و تندیس و... خبری نیست. البته در این بین می‌توان به فضا سازی مناسب در پارک کوهسار اشاره نمود. قرار گرفتن این پارک بر دامنه‌ی کوههای شمالی شهر تا حدی زیبا و جذاب می باشد و حتی بدلیل قرارگیری در مکانی مرتفع از نگاه برخی از پرسش شوندگان جزء نمادهای شهری محسوب می شود. (تصویر شماره ۶)

در پرسشی که راجع مکانهای جذاب و دیدنی شهر، از جامعه هدف پرسیده شد. اکثریت قریب به اتفاق عنوان نمودند که مکانی جذاب و دیدنی برای گذران اوقات فراغت و قدم زدن و مراوده و گفتگو در شهر وجود ندارد. ولی تعدادی که عنوان کردند این شهر دارای یک چنین مکانی می باشد، تنها به پارک کوهسار (به دلیل زیبایی و فضای سبز و مناسب آن) اشاره نموده اند.



شکل شماره ۵: عکس از پارک فدک در شهر جدید پرند «بدون فضای سبز»



شکل شماره ۶: عکس از پارک کوهسار در شهر جدید پرند همراه با فضا سبز و مبلمان شهری محدود

شکل و فرم شهر: یکی از مولفه‌هایی است که بر کیفیت فضای عمومی شهر موثر می باشد. اندیشمندان شهرهای شعاعی را بهترین شکل و فرم شهری می‌دانند چراکه با هرچه بیش تر نزدیک تر شدن به مرکز، تمرکز نیز بیش تر می شود و فضاهای شهری از سکون و بی تحرکی نجات می یابد. شهری که یک میدان مرکزی و یک خیابان اصلی دارد، در بردارنده ی تحرک بیش تری نسبت به شهرهای چند مرکز یا شطرنجی می باشد. (جوانبخت، ۱۳۸۵: ۳-۱۳۲) طبق مطالعات و بررسی های انجام شده شکل و فرم شهر جدید پرند بصورت خطی و شطرنجی اندیشیده و پیاده شده است که می تواند در عدم تمرکز و تحرک و پویایی نقش داشته باشد.

سیما و کالبد فضایی: یکی از مؤلفه هایی است که بر کیفیت فضای عمومی شهر تأثیر فراوان دارد. و نتوری به تناقض و پیچیدگی در مسائل شهری و در همه مقیاسها تأکید دارد و از آن استقبال نیز می کند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۳۶۰-۳۵۹) او معتقد است که «ایهام و تنش» در همه جای یک معماری پیچیده و دوگانه وجود دارد و آن را برای آفرینش غنای تجربی در معماری لازم می داند. (همان، ۳۷۰-۳۶۱) لینچ نیز تضادی میان وضوح و تنوع قائل نبود او هوادار گونه‌گونی در عین وضوح بود: «سادگی تصویر شهر نباید به اندازه‌ای باشد که یکنواختی ملال آوری را بر ذهن بیننده بنشانند. تنوع و پیچیدگی، سیمای شهر را دلپذیر و پرهیجان می‌کند (همان؛ ۱۷۱) لینچ معتقد است که عناصر مختلف سکونتگاه شامل فعالیتها، گونه‌های سکونتگاهی، افراد یا سایر خصوصیات باید به صورت ریز و تار باشد و نمونه ی طبیعی بر این اصرار دارد که هر منطقه‌ی کوچکی باید جهان کوچکی باشد از کل^۱. (لینچ، ۱۳۸۴: ۲-۳۵۱)

طی مشاهدات مکرر از شهر جدید پرند، از لحاظ سیما و کالبد فضایی، آنچه در مشاهده اول از شهر بیشتر جلب توجه می کند، ساخت مجتمع‌ها و ساختمانهای همسان و متحدالشکل به وسیله تعاونی‌ها، انبوه سازان و سازمانها و ادارات جهت واگذاری به پرسنل و نیروهای اداری می باشد. شکل یکسان مجتمع‌های ساخته شده با کلیتی هندسی،

^۱ برای اطلاعات بیشتر راجع به دیدگاه ترکیب مراجعه شود به لینچ، ۶۰-۳۵۱

عدم تنوع در شکل و نما و فرم آنها (غالب نماها از آجرنما استفاده شده)، عملاً شهر را به مجموعه ای از مجتمع‌های سکونتگاهی بزرگ که با روح زندگی مستقر در آن در تعارض است، بوسیله تعاونی‌ها ایجاد شده و بدون هیچگونه طراحی مناسب شهری در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، تبدیل نموده است و ترکیب درشت و روشن را به بیننده القاء کرده و بیننده پیچیدگی و تناقضی را در معماری شهر احساس نمی‌کند. شکل همسان بلوکها و مجتمع‌ها باعث کاهش عدم تنوع و کثرت معماری و عدم خوانایی و نمایانی در سطح شهر شده است. ساخت این مجتمع‌ها اغلب بصورت پراکنده در سطح شهر مشاهده می‌گردد. بنحوی که فضاهای باز و وسیع بدون برنامه و عمدتاً بصورت بایر در میان آنها رها شده و مانع از بوجود آمدن ساختار و سازمان فضایی منسجم در سطح شهر شده است.

از تحلیل سؤالات پرسشنامه ای که بین جامعه ی هدف توزیع گشته نیز بر می آید که یک چنین فضا و کالبدی برای بیننده ملال آور بوده و چندان جذابیتی ایجاد نمی نماید تا شهروندان به پرسه زنی و قدم زدن در شهر و دیدن فضاها، نماها و مناظر شهری بپردازد و در این حین تعاملات اجتماعی و دیدار همشهریان نیز صورت بگیرد و شهر از تحرک و پویایی برخوردار گردد.



شکل شماره ۷: عکس از مجتمع های یکسان وردیفی در شهر جدید پرند



شکل شماره ۸: عکس از زمینهای بایر و رها شده در بین ساختمانها و نواحی شهری در شهر جدید پرند

مبلمان شهری: از عوامل بسیار مؤثر در جذب مردم به فضاهای عمومی شهر می باشد. به باور هالپرین؛ از آنجایی که خیابانها، میدانهای شهری، پارکها و میدانهای کوچک محلی، صحنه های نمایشی برای تکاپوی مردم شهر هستند، باید با گسترده ای از اشیاء و با طراحی مناسب برای استفاده ی همگانی، مبلمان شوند. از نگاه او فضای شهری باید با گلدانهای شهری، تندیس ها و مجسمه ها و نورپردازیهای مناسب غنا بخشیده و خصوصاً با عناصری طبیعی چون آب و درخت، کیفیتی بی همتا بوجود آورند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۸۴-۲۷۸)

با توجه به مشاهدات انجام شده در فضاهای عمومی شهر جدید پرند؛ خیابانها، میادین و پارکهای شهری از مبلمان چندان مناسبی برخوردار نمی باشند. در خیابانهای شهر جدید پرند، پوشش گیاهی و درختانی که بتواند به اطراف و جداره های خیابان زیبایی ببخشد و بیننده را مجاب به تماشای جذابیتهای آن کند مشاهده نمی گردد. هر چه هست خیابانهای مستقیم، یکنواخت با دید بی نهایت (تصویر شماره ۴) و ماشینهایی که گاه با سرعت از آن مسیرها عبور می کنند مشاهده می گردد. حتی پارکها و میادین شهری نیز طراحی و فضا سازی مناسب نشده اند و یا احیاناً نیمه کاره رها گشته اند



شکل شماره ۹: عکس از خیابانی در شهر جدید پرند «بدون فضا سازی و مبلمان شهری مناسب»

نتیجه گیری

در این پژوهش برای بررسی و مطالعه فرضیه ی تحقیق با توجه به روش تحلیلی که در پیش گرفتیم، در نهایت آنچه از مشاهده ی شهر جدید پرند و ماحصل آنچه از پرسش شونده گان دریافت گردید، حکایت از کیفیت پایین فضاهای شهری، وجود میادین، پارکها و خیابانهای خلوت که ناشی از عدم اختلاط کاربریها، عدم فضا سازی مناسب (مبلمان شهری) و عدم تنوع و کثرت و پیچیدگی و تناقض در معماری، که شهر را بسیار ملال آور، بی روح و فاقد تحرک و پویایی نموده است و روح فردگرایی و انزوا را در شهر گسترش داده و ساکنین اوقات فراغت خود را در واحدهای بسته ی مسکونی و یا خارج از شهر (زادگاه و یا محل سکونت قبلی) خود می گذرانند دارد. و حال آنکه در یک شهر مطلوب، عرصه های عمومی و همگانی شهر (خیابانها، میادین، پارکها و فضاهای شهری) مکانی جذاب برای قدم زدن، گفتگو و مراوده و دیدار همشهریان بویژه در اوقات فراغت (روزهای تعطیل آخر هفته و تعطیلات)

می باشند و شهروندان را تشویق به خروج از منازل مسکونی و پیاده روی در این فضاها می کند. اما طبق گفته های پرسش شوندهگان، شهر جدید پرند فاقد جذابیت لازم برای یک چنین اموری می باشد و می توان عنوان کرد که عرصه های عمومی در شهر جدید پرند جز در برخی موارد (چون پارک کوهسار و ناحیه ی مرکزی فاز دو آن هم به صورت بسیار ابتدایی) چندان موفق عمل نکرده است و این فضاها قابلیت و جذابیت چندان برای رویارویی و تمایل بیشتر مردم با یکدیگر و در نهایت گرایش به حس تعلق و حس مکان ایجاد نکرده است. و بر این اساس طی سؤالاتی که از پرسش شوندهگان در ارتباط با هویت و حس تعلق به شهر جدید پرند پرسیده شد، پاسخها گویای این واقعیت می باشد که حس تعلق به مکان و هویت چندان در شهر جدید پرند شکل نگرفته من جمله وقتی از آنان پرسیده شد که اگر در مقابل سؤال کجایی هستید؟ قرا بگیریید چه جوابی می دهید بالغ بر ۸۸ درصد آنان خود را غیر پرندی دانسته اند که کاملاً گویای این واقعیت می باشد که حس تعلق به مکان و هویت در ساکنین این شهر از هیچ عمق و ریشه ای برخوردار نمی باشد.

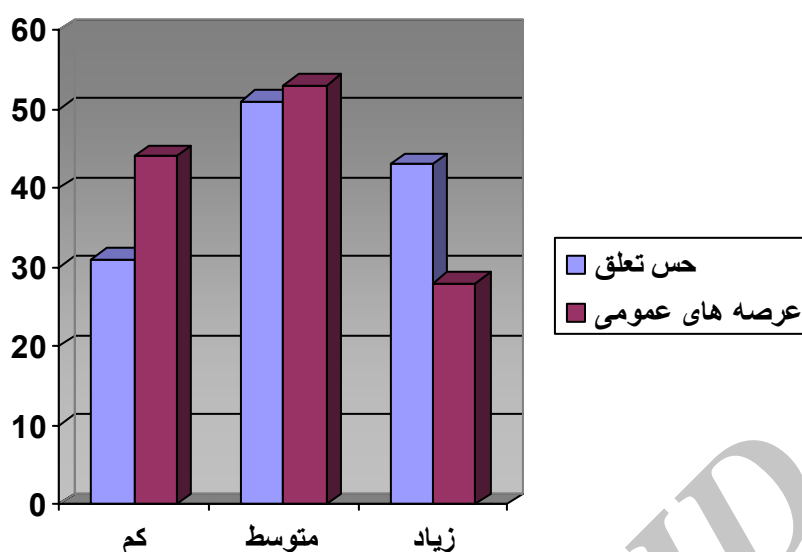
بسیار واضح است که علل عدم هویت و عدم حس تعلق به مکان در شهر جدید پرند تنها به دلیل نامناسب بودن فضاها و عرصه های عمومی نیست بل عوامل دیگری نیز در این امر دخیل می باشد که در ابتدای این پژوهش مواردی از آن را برشمردیم اما در این پژوهش با توجه به تجزیه و تحلیل (توصیفی و استنباطی) که صورت گرفته و با توجه به اینکه سؤالات پرسشنامه را در قالب جداول دو بعدی (آزمون گاما^۱) با کمک گیری از نرم افزار رایانه ای SPSS قرار داده ایم^۲. می توانیم فرض تحقیق خود را که مبنی بر: « به نظر می رسد کیفیت عرصه های عمومی و همگانی؛ می تواند بر تقویت هویت و حس تعلق به مکان در شهر جدید پرند اثرگذار باشد.» بود را به اثبات برسانیم.

جدول شماره ۱: میزان رابطه بین کیفیت عرصه های عمومی و همگانی و هویت و حس تعلق به مکان

جمع	میزان کیفیت عرصه های عمومی			میزان هویت و حس تعلق افراد به مکان
	زیاد	متوسط	کم	
۳۱	۳	۱۲	۱۶	کم
%۲۴/۸	%۱۰/۷	%۲۲/۶	%۳۶/۴	
۵۱	۹	۲۶	۱۶	متوسط
%۴۰/۸	%۳۲/۱	%۴۹/۱	%۳۶/۴	زیاد
۴۳	۱۶	۱۵	۱۲	
%۳۴/۴	%۵۷/۱	%۲۸/۳	%۲۷/۳	جمع
۱۲۵	۲۸	۵۳	۴۴	
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	

^۱ برای بررسی متغیر مستقل و وابسته ی این پژوهش، بعدازطراحی و توزیع پرسشنامه بین جامعه هدف، نیاز به مدلی خواهیم داشت تا بر اساس آن رابطه بین متغیر مستقل و وابسته را رد یا به اثبات برسانیم و همچنین میزان و شدت این رابطه را دریابیم. در این ارتباط بهترین مدل قابل استفاده، مدل گاما می باشد.

^۲ برای اطلاعات بیشتر راجع به تجزیه و تحلیل سؤالات پرسشنامه مراجعه شود به پایان نامه جعفرنژاد، ۱۳۸۸: فصل چهارم



Gamma=۰/۳۴۸

sig=۰/۰۰۴

نتیجه: با توجه به جدول فوق براساس مقدار آزمون گامای بدست آمده (گاما=۰/۳۴۸) با قبول خطای کمتر از ۰/۰۱ (ضریب خطا=۰/۰۰۴) و اطمینان بیش از ۰/۹۹ می توان گفت بین میزان حس تعلق افراد به مکان و میزان کیفیت عرصه های عمومی از نظر آنها رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به مقدار آزمون گاما می توان نتیجه گرفت شدت همبستگی بین دو متغیر متوسط می باشد. لازم به ذکر است مقدار مثبت گاما نشان از رابطه مستقیم بین دو متغیر دارد، به عبارت دیگر هرچه میزان کیفیت عرصه های عمومی بالاتر باشد به همان میزان احساس تعلق آنها به مکان بیشتر می باشد و بالعکس هرچه میزان کیفیت عرصه های عمومی پایین تر باشد احساس تعلق آنها به مکان نیز کمتر می باشد.

حس تعلق به مکان و هویت از پیوند عمیق میان فرد و محیط بدست می آید و تأثیری مثبت بر توانایی و اعتماد به نفس شهروندان دارد. در راستای هر چه مطلوب تر شدن فضاهای عمومی شهرهای جدید و به ویژه شهر جدید پرند برنامه ریزان، طراحان و مجریان شهرهای جدید می توانند با دوری گزیدن از طرح های منسوخ جامع و روی آوردن به طرح های گام به گام، مشارکتی و دیگر طرح هایی که امروزه در کشورهای پیشرفته مورد قبول می باشد^۱ و با بومی سازی آن طرح ها و برنامه ها گامی مثبت (و طبق سلیقه ی شهروندان شهرهای جدید) برای عرصه ها و فضاهای عمومی آن شهرها بردارند. تا فضاهای پرنشاط و پویا و دارای روح و پویایی ایجاد نمایند و شهروندان در آن به تعامل و گفتگو و مراوده پردازند و به این شکل قدمی برای ایجاد حس تعلق به مکان و هویت در این شهرها بردارند.

^۱ برای اطلاعات بیشتر راجع به این نوع طرح ها مراجعه شود به مهدیزاده، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۴

منابع:

۱. آسایش، حسین و مشیری، سید رحیم (۱۳۸۱): روش شناسی و تکنیک های تحقیق علمی در علوم انسانی با تأکید بر جغرافیا؛ نشر قومس.
۲. براند فری، هیلدر (۱۳۸۳): طراحی شهری به سوی یک شکل پایدارتر شهر؛ ترجمه بحرینی، حسین؛ پردازش.
۳. پاکزاد، دکتر جهان‌شاه (۱۳۸۶): سیر اندیشه ها در شهرسازی (۲) از کمیت تا کیفیت؛ شرکت عمران شهرهای جدید.
۴. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): هویت اجتماعی؛ ترجمه یاراحمدی، تورج؛ شیرازه.
۵. جوانبخت، امیر (۱۳۸۵): "بحثی درباره فضاهای شهری در شهرهای جدید"؛ مجموعه مقالات همایش بین المللی شهرهای جدید- اردیبهشت ۸۴؛ کتاب دوم، شرکت عمران شهرهای جدید.
۶. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷): مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی؛ سمت.
۷. حج فروش، جلال (۱۳۸۰): "هویت در شهرسازی «نمونه: شهر یزد»"؛ رساله دکتری؛ شهرسازی؛ دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۸. رضازاده، راضیه (۱۳۸۵): "رویکردی روانشناسانه و جامعه شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید"؛ مجموعه مقالات همایش بین المللی شهرهای جدید- اردیبهشت ۸۴؛ کتاب دوم، شرکت عمران شهرهای جدید.
۹. صبری، سهیل، مشارزاده مهرابی، زهرا (۱۳۸۵): "جایگاه مفهوم هویت در شهرهای جدید"؛ مجموعه مقالات همایش بین المللی شهرهای جدید- اردیبهشت ۱۳۸۴؛ کتاب دوم، شرکت عمران شهرهای جدید.
۱۰. لینچ، کوین (۱۳۸۴): تئوری شکل شهر؛ ترجمه بحرینی، سید حسین؛ دانشگاه تهران.
۱۱. مدنی پور، علی (۱۳۸۷): فضاهای عمومی و خصوصی شهر؛ ترجمه نوریان، فرشاد؛ پردازش.
۱۲. مولر، جی. اچ-شوسلر، کی. اف-کاستنر، اچ. ال (۱۳۸۱): استدلال آماری در جامعه شناسی؛ ترجمه نایی، هوشنگ؛ نشر نی.
۱۳. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵): برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)؛ شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۱۴. مهندسین مشاورامکو (۱۳۸۵): طرح بازنگری و توسعه و عمران شهر جدید پرند؛ آرشیو شرکت عمران شهرهای جدید ایران؛ تهران.
۱۵. نوده فراهانی، مرتضی (۱۳۸۵): "بررسی عوامل موثر بر هویت شهرهای جدید؛ «نمونه موردی شهر جدید پردیس»"؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.